با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

پارکینگ‌های قدیمی تهران احیا شوند

چندی قبل در خبرها خواندم که مسئولان شهری قرار است جهت رفاه حال شهروندان پارکینگ‌های طبقاتی احداث کنند که صدالبته تصمیم و ایده خوبی است اما هنوز تعدادی پارکینگ بی‌استفاده در تهران هست که می‌توان آنها را احیا کرد، از جمله پارکینگ طبقاتی خیابان دربند که سال‌هاست نیمه‌کاره و خالی مانده و به حال خود رها شده است. اینکه مکانی ساخته و به حال خود رها شود باعث حیف و میل بیت‌المال و هدر رفت زحمات سازندگان است. منطقی‌تر این است که ابتدا از این پارکینگ‌ها بهره‌برداری شود و بعد درصورت نیاز پارکینگ جدید احداث شود.

قربانی از تهران

ورزشکاران گذشته خود را فراموش نکنند

در رسانه‌ها خواندم که جناب آقای «قلعه‌نویی» بازیکن پیشکسوت و مربی فوتبال کشورمان در مصاحبه‌ای گفته‌اند که دیگر با ۲۰میلیارد تومان هم نمی‌شود خانه خرید! خواستم به ایشان یادآوری کنم که هم‌اکنون بسیاری از مردم برای چند میلیون جهت پرداخت ودیعه یا اجاره مسکن مشکل دارند. از طرفی بسیاری از ورزشکاران ما ازجمله خود ایشان از محله‌های فقیرنشین شهر ورزش و پیشرفت خود را شروع کرده‌اند. از ایشان به‌عنوان یک الگو انتظار می‌رود در بیان جملاتشان بیشتر دقت کنند.

صابری از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

کارخانجات تولید روغن غیرمنصفانه عمل می‌کنند

چند روز اخیر گفتند قیمت روغن کاهش پیدا کرده و در همین راستا کارخانجات تولید روغن برای ثبت و اعمال قیمت جدید از دولت وقت خواسته‌اند. جالب اینجاست که وقتی چندماه پیش قیمت روغن به‌طور ناگهانی صعود کرد نامه‌ای از وزارت «صنعت و معدن» در فروشگاه‌ها به چشم می‌خورد با این مضمون که روغن‌های تولید شده با قیمت قدیم هم مشمول این افزایش قیمت هستند. سؤال اینجاست که چرا آن موقع به سرعت و بدون فوت وقت با دولت همسو بودند و الان که بنا بر کاهش قیمت‌هاست ۲ماه وقت خواسته‌اند؟!

ناصری از تهران

تهیه نان سفارشی از عوامل شلوغی نانوایی‌هاست

اغلب نانوایی‌ها بدون توجه به مردم ایستاده در صف، نان‌های بسیاری را برای کبابی‌ها و مغازه‌ها کنار می‌گذارند. در شرایطی که تعداد نانوایی‌ها به‌نظر می‌رسد که کم شده یا شاید ساعات کارشان کاهش یافته است نظارت شود که نانوایی‌ها از این کار دست بردارند و عامل شلوغی بیشتر صف‌های نان نشوند.

حبیب از مشهدمقدس

راهکارهای پیشگیری از سیل همواره مدنظر باشد

حوادث تلخ سیلاب و فوت و مفقودی‌ها تعدادی از هموطنان در چندین نقطه از کشور برای همه غم‌انگیزاست. اما اگر آنطور که اکنون گروه‌های دلسوز جهادی و در طبق اخلاص در خدمت مردم هستند قبل از سیل اقدامات پیشگیرانه جهادی انجام شود و به گزارش‌های هواشناسی هم توجه شود قطعا این میزان خسارات مالی و جانی برجای نمی‌ماند. دنبال مقصر گشتن بی‌فایده است و بهترین راه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در تمام ایام سال و در طول سالیان متمادی است.

طالبی از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

تیر برق بوستان نونهالان باید ایمن‌سازی شود

از اداره برق و مسئولان شهری تقاضا می‌شود برای جلوگیری از حوادث مرگبار و غیرقابل جبران نسبت به ایمن‌سازی تیر برق داخل پارک بوستان نونهالان در خیابان آیت‌الله کاشانی واقع در منطقه ۵شهرداری تهران اقدام کنند. تیر برق مذکور کج شده، سیم‌های برق لخت از آن آویزان است و هر آن امکان برق‌گرفتگی و حوادث جبران‌ناپذیر می‌رود.

ابراهیمی از تهران

کسانی که توصیه‌های هواشناسی را جدی نگرفتند خودخواه هستند

کمی منصف باشیم وهمیشه فقط مسئولان را مقصرندانیم. کسانی که با وجود این همه هشدار و اطلاع‌رسانی باز هم با آگاهی به مناطق قرمز رفته و حتی در زمان وقوع سیل نیز آنجا را ترک نکردند بعضا قربانی سیل شدند یا عزیزانشان از دست رفتند. بی‌تقصیر نیستند.

عقلمند از بیرجند

در حفظ زبان فارسی باید کوشاتر باشیم

گسترش فضاهای مجازی واژگان جدیدی وارد ادبیات فارسی کرده است. از سوی دیگر کلمات زبان‌های مختلف ازجمله انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره هر روز در زبان ما جاخوش می‌کنند و ما توقع داریم فارسی زنده بماند؟ باید به زبان فارسی حرف زد و تا حد امکان از به‌کار بردن واژه‌های غیرفارسی خودداری کنیم.

دبیر بازنشسته از تهران

۳مأمور پلیس جانشان را کف دستشان گرفتند تا افرادی را نجات دهند که کسی حاضر نبود برای نجاتشان جلو برود

معجزه نجات ۱۴نفر با دستان خالی

گزارش

وقتی سد شکست، سیل هولناکی به سمت باغ‌های پسته جاری شد و باغداران و مسافران برای نجات جانشان به پشت بام اتاقکی خشتی پناه بردند، اما حجم آب و شدت بارندگی هر لحظه بیشتر می‌شد و خطر مرگ آنها را تهدید می‌کرد. در این شرایط و درحالی‌که هیچ‌کس حاضر نبود برای نجات این افراد وارد سیل شود، ۳مامور پلیس جانشان را کف دستشان گرفتند و دل به سیلاب زدند تا عملیاتی را به پایان برسانند که بی‌شک معجزه‌ای بزرگ بود.

به گزارش همشهری، از روز شنبه که بارش باران در شهرستان انار در استان کرمان شروع شد، ماموریت‌های مختلف مأموران پلیس نیز کلید خورد. جاری شدن سیلاب در برخی نقاط جنوبی شهر، خیابان‌ها را مسدود کرده بود و سرهنگ رضا خلیلی‌نژاد، رئیس پلیس شهرستان انار و همکارانش تلاش می‌کردند به وضعیت عبور و مرور خودروها سامان دهند. ماموریت آنها تا پاسی از شب ادامه داشت و حدود ساعت ۱۲ نیمه‌شب بود که تلفن سرهنگ خلیلی‌نژاد به صدا درآمد. شماره، ناشناس بود و مأمور ۴۶ساله پلیس وقتی تماس را جواب داد، صدای مردی را شنید که از او درخواست کمک می‌کرد. مرد میانسال مدعی بود که او و ۱۰نفر دیگر از باغداران و مسافران در پشت‌بام اتاقکی در یکی از باغ‌های پسته گرفتار سیل شده‌اند و هر لحظه ممکن است جریان آب اتاقک را نابود کند و جان آنها را بگیرد. مرد میانسال می‌گفت تنها راه نجاتشان اعزام بالگرد است و اگر دیر شود، همه آنها خواهند مرد. رئیس پلیس انار تلاش کرد مرد را آرام کند و به او اطمینان داد که هر کاری برای نجات آنها انجام می‌دهد، اما به‌خوبی می‌دانست که در آن تاریکی و بارش شدید باران، هیچ بالگردی اجازه پرواز نخواهد داشت.

تماس با رئیس پلیس استان

سرهنگ خلیلی‌نژاد بلافاصله با سردار ناظری، رئیس پلیس استان کرمان تماس گرفت و ماجرا را به او گزارش کرد. اما همانطور که حدس می‌زد، امکان پرواز بالگرد در آن شرایط نبود. با این حال جان افرادی که در سیل گرفتار بودند در خطر بود و هر لحظه احتمال داشت اتفاق هولناکی برای آنها بیفتد.

سرهنگ فداکار پلیس در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: وقتی با سردار ناظری تماس گرفتم، او تأکید کرد که باید هر طوری شده آن افراد را نجات دهیم. راهی خانه شدم و همزمان با نهادهای امدادی تماس گرفتم و ماجرا را خبر دادم و درخواست لودر کردم، اما همه لودرها و ادوات امدادی در حال ماموریت بودند. در نهایت شماره راننده یک لودر خصوصی به‌دست رسید. با او تماس گرفتم و خواستم به محلی برود که آن افراد گرفتار بودند. او هم قبول کرد و این در حالی بود که تازه به خانه رسیده بودم تا پس از ماموریتی چندین ساعته شام بخورم و خستگی در کنم.

دلواپسی

مامور پلیس تازه به خانه رسیده بود، اما نگران افرادی بود که در سیل گرفتار بودند؛ هر چند در تماس با آنها اطمینان داده بود که به‌زودی کمک می‌رسد و نجات پیدا می‌کنند، اما نگرانی امانش را بریده بود. می‌گوید: همان لحظه حسی به من گفت که باید به آنجا بروم. شام نخورده، خانه را ترک کردم و به سمت محل حادثه راه افتادم. ۲۲کیلومتر تا آنجا فاصله داشتم. از شهر که بیرون رفتم، متوجه شدم سیل جاده را مسدود کرده است. با این حال مسیری برای رسیدن به آنجا پیدا کردم و حدود ۴۰دقیقه طول کشید که به محل حادثه رسیدم.

جایی که ۱۱مرد و زن گرفتار سیل بودند، در ۲۲کیلومتری شهرستان انار و درست در مسیری بود که سیل آنجا را محاصره کرده بود. گزارش‌ها نشان می‌داد سدی که در بالادست این منطقه بود، شکسته و همین باعث شده بود که سیل هولناکی به سمت باغ‌های پسته به راه بیفتد. آنهایی که در پشت‌بام اتاقک خشتی گرفتار شده بودند، ۳نگهبان، ۶باغدار و ۲مسافر اصفهانی بودند که هنگام سیل برای نجات جانشان به پشت بام اتاقک رفته بودند؛ این در حالی بود که خودروی مسافران اصفهانی را سیل برده بود و آنها در آخرین لحظات فقط توانسته بودند از ماشین خارج شده و به اتاقک خشتی پناه ببرند. سرهنگ خلیلی‌نژاد می‌گوید: به آنجا که رسیدم، جمعیت زیادی را دیدم. چیزی از جاده معلوم نبود و به عرض ۵۰۰متر از آن را سیل پر کرده بود. صدای وحشتناک آب به گوش می‌رسید و علاوه بر راننده‌ها و مردم عادی، راننده لودر خصوصی هم آنجا بودند. همان موقع بود که تعدادی از همکارانم هم رسیدند، اما شدت سیل به حدی بود که کسی جرأت نمی‌کرد جلو برود.

مامور فداکار پلیس سراغ راننده لودر رفت، اما وی حاضر نشد که وارد سیل شود. او می‌گفت جریان آب آنقدر زیاد است که لودر را هم می‌برد. بقیه افرادی که حضور داشتند می‌گفتند که تنها راه چاره این است که صبر کنند تا شدت آب کمی آرام شود. اما گزارش‌ها نشان می‌داد که به‌زودی بر حجم بارندگی‌ها افزود می‌شود و این یعنی اگر زمان را از دست بدهند، افراد گرفتار در سیل خواهند مرد.

مأموریت با دستان خالی

سرهنگ خلیلی‌نژاد می‌گوید: نمی‌توانستم صبر کنم. تصمیم گرفتم خودم برای نجات آنها وارد عمل شوم. همکارانم گفتند که آنها هم می‌آیند، اما اجازه ندادم. با این حال ۲نفر از آنها آنقدر اصرار کردند که قبول کردم با من بیایند. ما با نور موبایل و یک چراغ دستی در داخل سیل شروع به حرکت کردیم و از راننده ماشین پلیس خواستم که دور بزند و از جاده بالایی خودش را به نزدیکی‌های محل عبور سیل برساند. ۳مامور پلیس در تاریکی شب و در حاشیه جاده شروع به حرکت کردند. آنها قصد داشتند با عبور از سیلاب خودشان را به افراد گرفتار برسانند، اما این کار بی‌شک دست و پنجه نرم کردن با مرگ بود. خلیلی‌نژاد می‌گوید: با افراد گرفتار در سیل تماس گرفتم و با نور گوشی و چراغ‌دستی علامت دادم و خواستم وقتی به روبه‌روی آنها رسیدیم، خبر بدهند. من و ۲همکار دیگرم همانطور جلو می‌رفتیم تا اینکه آنها گفتند درست روبه‌رویشان هستیم. حالا وقت آن بود که وارد سیل شویم. زیر لب گفتم: «یا امام حسین، خودت ما را نجات بده.» کفش‌هایم را درآورده بودم و پایم را داخل سیلاب گذاشتم. انگار یک معجزه اتفاق افتاده بود. بی‌آنکه در آن تاریکی چیزی ببینم، درست وارد محلی شده بودم که سیل کمترین شدت را داشت. حرف‌های سرهنگ که به اینجا می‌رسد، بغض می‌کند. بعد ادامه می‌دهد: به بچه‌ها گفتم خیلی آهسته پشت سر من حرکت کنند. صدای سیل همچنان وحشتناک بود. چند بار نزدیک بود سیل ما را ببرد، اما هر بار توانستیم تعادلمان را حفظ کنیم. باید چیزی حدود ۲۰۰متری را در سیل جلو می‌رفتیم. همانطور که پیش می‌رفتیم زیر لب ذکر می‌گفتم و از خدا می‌خواستم کمک‌مان کند. شاید باورتان نشود، اما آن شب معجزه را به چشم می‌دیدم. درحالی‌که افراد حاضر در محل حادثه می‌گفتند ورود به سیل حماقت است، اما ما با وجودی که آب از کمرمان هم گذشته بود توانستیم به آن طرف برسیم؛ درست جایی که اتاقک خشتی بود. وقتی رسیدیم و افراد گرفتار را صدا زدم، آنها از خوشحالی جیغ می‌کشیدند و گریه می‌کردند. آنها چندین ساعت بود که در آنجا گرفتار بودند و ترس باعث شده بود که ۲نفرشان بدحال شوند. به آنها دلداری دادم و گفتم که اگر درست پشت سر من حرکت کنند، همه نجات خواهیم یافت. بین آنها پیرمردی بود که او را روی کولم گرفتم، ۲همکار دیگرم هم زیر بغل فرد میانسالی را که با آنها بود، گرفتند و از بقیه هم خواستم آهسته پشت سر من بیایند. بعد شروع به حرکت کردیم و درست از همان مسیری که جریان سیل به طرز معجزه‌آسایی کمتر بود، برگشتیم. آن شب خدا کمک‌مان کرد و بعد از چند دقیقه توانستیم به آن طرف سیل، جایی که وانت پلیس توقف کرده بود، برسیم. همه افراد را سوار ماشین کردیم، اما قبل از اینکه راه بیفتیم، یکی از همکارانم فریاد زد: «جناب سرهنگ... جسد.»

نجات از سیل

درست در چند متری جایی که وانت پلیس پارک بود، یک خودروی سواری گرفتار سیل شده بود؛ خودرویی که ۳سرنشین داشت و هر سه نفر آنها توانسته بودند از ماشین خارج شوند، اما در گل و لای گیر افتاده بودند؛ هر چند در ابتدا تصور می‌شد که آنها مرده‌اند، اما خیلی زود معلوم شد که هر ۳ نفر زنده‌اند، اما میان گل و لای گیر کرده‌اند. مأموران فداکار پلیس به کمک آنها رفتند و این ۳نفر را نیز از سیل بیرون کشیدند و سوار بر خودروی پلیس کردند. خلیلی‌نژاد می‌گوید: شدت باران و محدوده سیل بیشتر شده بود. برای اینکه اتفاقی برای ماشین پلیس نیفتد، پیاده شدم. هر جایی که آب جاری بود، ابتدا خودم وارد آن می‌شدم که ببینیم شدت آن چقدر است و بعد با ماشین از آنجا رد می‌شدیم؛ به همین دلیل حدود ۴۵دقیقه طول کشید تا از محدوده خطر خارج شویم و پس از آن نیز به سمت کلانتری حرکت کردیم. در بین راه بود که متوجه شدم گوشی موبایلم داخل سیل افتاده و همین باعث شده بود که سردار ناظری، نتواند با من تماس بگیرد و نگران شود. او به تصور اینکه حادثه بدی برای ما و افراد گرفتار در سیل رخ داده، خودش را از کرمان به شهرستان انار رساند و وقتی فهمید که عملیات نجات با موفقیت پایان یافته، نفس راحتی کشید. آن شب وقتی نجات‌یافتگان را به کلانتری بردیم، خانواده‌هایشان از خوشحالی سر از پا نمی‌شناختند و با دیدن خوشحالی آنها تمامی خستگی این عملیات را فراموش کردیم.

تنها چند ساعت بعد از این عملیات بود که معلوم شد به‌دلیل رسیدن یک سامانه بارشی دیگر به منطقه، حجم سیل چنان افزایش یافته که پشت‌بام اتاقک خشتی را هم در بر گرفته و این یعنی اگر آن شب فداکاری سرهنگ خلیلی‌نژاد و ۲همکارش نبود، همه افراد گرفتار در سیل جانشان را از دست داده بودند. به همین دلیل وقتی وزیر کشور برای رسیدگی به مناطق سیل‌زده به کرمان سفر کرد و در جریان این ماجرا قرار گرفت، شخصا از مأموران فداکار پلیس کرمان تقدیر و تشکر کرد.

سرهنگ خلیلی‌نژاد و همکارانش عملیات غیرممکن را ممکن کردند

اتفاق عجیبی که راز باند سرقت از زنان و دختران را فاش کرد

سارق ۱۰ سال پیش به خواستگاری طعمه‌اش رفته بود

دادسرا

سارق سابقه‌دار گمان نمی‌کرد آخرین طعمه‌اش دختری باشد که سال‌ها قبل به خواستگاری وی رفته بود.

به گزارش همشهری، از اوایل اسفند پارسال گزارش سرقت‌های سریالی از زنان و دختران به پلیس پایتخت اعلام شد. سارقان ۲مرد موتورسوار بودند که با شناسایی زنان و دخترانی که النگو و دستبند طلا داشتند، از آنها زورگیری می‌کردند.

تعداد شاکیان در این پرونده روزبه‌روز افزایش می‌یافت و با دستور قاضی اکبری، بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت، کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران برای دستگیری دزدان وارد عمل شده بودند اما سارقان در همه سرقت‌ها پلاک موتورشان را مخدوش می‌کردند و صورتشان را با کلاه کاسکت می‌پوشاندند تا شناسایی نشوند. درحالی‌که تلاش برای دستگیری متهمان ادامه داشت مدتی قبل اتفاق عجیبی رخ داد. آن روز سارقان موتورسوار قصد سرقت دستبند طلای زنی جوان را داشتند و یکی از آنها به این زن هجوم برد، اما زن جوان به جدال با وی پرداخت و همین موجب شد تا کلاه کاسکت سارق از سرش بیفتد. زن که خودش ماسک به‌صورت داشت با دیدن چهره سارق شوکه شده و او را شناخت. زورگیر جوان با موهای جوگندمی، خواستگار سابق او بود که حدود ۱۰سال پیش به خواستگاری این زن رفته بود. آن روز سارق موفق شد دستبند زن جوان را سرقت کند اما این زن راهی اداره آگاهی شد تا سارق را به پلیس معرفی کند. با اطلاعاتی که وی در اختیار پلیس قرار داد، سارق مو جوگندمی شناسایی شد؛ او مجرمی سابقه‌دار بود که بهمن پارسال از زندان آزاد شده و هنوز مهر آزادی‌اش خشک نشده، سرقت‌هایش را از سر گرفته بود. با این سرنخ مأموران خیلی زود موفق شدند مجرم سابقه‌دار را دستگیر کنند و با اعتراف او همدستش که از دوستانش بود بازداشت شد.

سارق جوان هرچند اصرار بر بی‌گناهی داشت، اما در مواجهه با مالباخته و مدارکی که علیه او بود، به سرقت‌های سریالی اقرار کرد و گفت: اواخر بهمن پارسال از زندان آزاد شدم و مدتی بعد یکی از دوستانم سراغم آمد و با همدستی یکدیگر تصمیم به سرقت گرفتیم. من تخصصم دستبند طلا بود و علاقه زیادی به دستبند زنانه داشتم. به همین دلیل فقط دستبند سرقت می‌کردم، اما یکی از مالباخته‌ها با من درگیر شد و کلاه از سرم افتاد. بعد از این اتفاق تصمیم گرفتم موهایم را رنگ و چهره‌ام را گریم کنم تا شناسایی نشوم، اما خبر نداشتم که وی مرا شناخته است. او دوست خواهرم بود که حدود ۱۰سال قبل به خانه ما رفت‌وآمد داشت. من به او علاقه‌مند شده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم از وی خواستگاری کنم، اما دختر جوان به من جواب رد داد. ظاهرا خانواده‌اش تحقیق کرده و متوجه شده بودند که من خلافکار و سابقه دارم. از همان زمان خانواده‌اش دیگر اجازه رفت‌وآمد به خانه ما را ندادند و دختر جوان به رابطه دوستی با خواهرم هم پایان داد. حتی یک درصد هم فکرش را نمی‌کردم که پس از این همه سال، یکی از طعمه‌هایم آشنا از آب دربیاید و همان دختری باشد که من ۱۰سال قبل از او خواستگاری کرده بودم. او ماسک به‌صورت داشت و چون زمان زیادی گذشته بود، او را نشناختم، اما دزد بدشانسی هستم چون این‌بار فکر همه جا را کرده بودم تا شناسایی نشوم ولی درست سراغ مالباخته‌ای آشنا و باهوش رفتم که به دستگیر شدنم منجر شد.

براساس این گزارش، متهم و همدستش پس از اقرار به سرقت‌های سریالی با قرار قانونی بازداشت شدند و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

حمله سگ‌های خانگی به امدادگران اورژانس

تکنسین‌های اورژانس برای امدادرسانی به بیماری، راهی خانه او شده بودند اما همراه بیمار پس از مشاجره با امدادگران ۳سگ خانگی را به جان آنها انداخت.

به گزارش همشهری، این حادثه ساعت یک و نیم بامداد شنبه در سعادت‌آباد اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که به مرکز اورژانس تهران خبر رسید که بیماری در منطقه سعادت‌آباد نیاز به کمک دارد. در این شرایط امدادگران اورژانس خود را به آنجا رساندند. آنها در خانه این بیمار با ۳قلاده سگ که آزاد بودند مواجه شدند و از همراه بیمار خواستند آنها را مهار کند. در شرایطی که آنها مشغول مداوای بیمار بودند ناگهان این همراه شروع به مشاجره با آنها کرد و در ادامه با قفل کردن در خانه سگ‌ها را به جان امدادگران اورژانس انداخت.

یحیی صالح طبری، رئیس مرکز اورژانس تهران در این‌باره گفت: هنگام خدمت‌رسانی در منزل بیمار ناگهان همراه بیمار با نیروهای این مرکز جدال لفظی پیدا کرد و با بستن در، سگ‌ها را برای حمله به تکنسین‌ها تشویق کرد. وی ادامه داد: در نهایت بعد از آسیب نیروهای اورژانس تهران، آنها به زحمت توانستند از آنجا فرار کنند. این در حالی است که تکنسین اورژانس به خاطر حمله سگ‌ها دچار جراحت شده و تحت مراقبت پزشکی قرار دارد و اداره حقوقی اورژانس پیگیر شکایت از این فرد است.

تسلیت

جناب آقای حمید حیدری مهوار

با نهایت تأسف درگذشت والده گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و غفران و برای شما و سایر بازماندگان طول عمر و صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

علیرضا قلی‌نژادپیربازاری
معاونت فناوری و کاربردی‌سازی

کوتاه از حادثه

متهمان ریزش متروپل در دادگاه

۲ماه پس از فروریختن ساختمان متروپل آبادان که به جانباختن ۴۳نفر منجر شد، نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات ۲۱متهم این پرونده برگزار شد و خانواده‌های قربانیان شکایت‌شان را مطرح کردند. به گزارش همشهری، از روز دوشنبه، دوم خردادماه امسال که متروپل؛ ساختمانی که قرار بود به نمادی از توسعه در آبادان تبدیل شود، فروریخت و جان ۴۳نفر از جمله مالکش را گرفت، حال و هوای آبادان دگرگون شده است. داغ جانباختگان متروپل خانواده‌های زیادی را متلاشی کرد و شاید به همین دلیل باشد که مجازات عاملان این حادثه دلخراش از همان روزهای نخست مهم‌ترین خواسته اولیای دم قربانیان بود. در این شرایط دستگاه قضایی نیز با تشکیل پرونده و دستگیری ۲۱متهم که اغلب از مسئولان سابق شهری آبادان بودند به این مطالبه به حق پاسخ داد. روز ۳۰تیرماه امسال بود که دادگستری خوزستان از صدور کیفرخواست در پرونده حادثه متروپل خبر داد و روز گذشته (دوشنبه) نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات ۲۱متهم این حادثه در اهواز برگزار شد. در این جلسه هر ۲۱متهم پرونده از زندان به دادگاه اعزام شده و حضور داشتند. همچنین ۲۲نفر از اولیای دم که برخی از آنها ولی دم چند جانباخته هستند نیز در دادگاه حاضر شده بودند. بعد از رسمیت یافتن جلسه دادگاه ابتدا نماینده دادستان در جایگاه ایستاد و به دفاع از کیفرخواست پرداخت و خواستار مجازات متهمان شد. در ادامه این جلسه اولیای دم قربانیان یک به یک در جایگاه ایستادند و ضمن شرح رنجی که در این مدت بخاطر از دست دادن عزیزان‌شان کشیده‌اند، شکایت‌شان را مطرح کرده و خواستار مجازات متهمان شدند. به گفته علی دهقانی، رئیس کل دادگستری خوزستان، در این جلسه اظهارات ۲۲نفر از اولیای دم متوفیان شنیده شد و برخی از وکلای آنان نیز اظهارات خود را بیان کردند. بعضی از متوفیان اعضای یک خانواده بودند که یک نفر به نمایندگی از اولیای دم در جلسه دادگاه حاضر شد. در این جلسه اظهارات قریب به اتفاق شکات شنیده شد و در جلسه بعدی که سه‌شنبه (امروز) برگزار می‌شود به دفاعیات متهمان اختصاص دارد. دهقانی در مورد روند پرداخت دیه متوفیان این حادثه نیز گفت: قرار است این روند در دادگاه تعیین شود اما با توجه به اینکه دیه تعدادی از متوفیان از اموال مالک اصلی (متوفی) پرداخت شده است در صدور حکم نسبت به آنان اظهارنظری برای دریافت دیه صورت نخواهد گرفت و فقط جنبه عمومی جرم بررسی می‌شود.

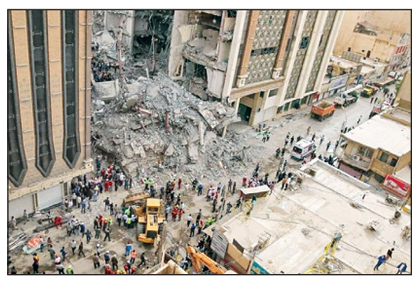

مجازات سنگین برای یک زن و ۲مرد

یک زن و ۲مرد در ۳پرونده جداگانه به قصاص کوری چشم محکوم شدند که این پرونده‌ها برای انجام مقدمات اجرای حکم به دادسرای جنایی تهران فرستاده شده است.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه در سال ۹۰ و در یکی از شهرهای استان کرمانشاه اتفاق افتاد. متهم این پرونده زنی جوان است که در زمان حادثه با زن همسایه به‌دلیل اختلافات زیادی که داشتند درگیر شد و به‌خاطر حسادت و کینه‌ای که داشت روی او اسید پاشید. بر اثر این حادثه زن جوان بینایی یک چشمش را از دست داد و متهم به اسیدپاشی در دادگاه به قصاص کوری چشم راست، زندان و دیه محکوم شد. اگرچه با اعتراض متهم، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما قضات حکم را تأیید کردند و قابل اجرا دانستند. به این ترتیب زن اسیدپاش در یک‌قدمی قصاص کوری چشم راست قرار گرفت و شاکی اصرار داشت تا هرچه زودتر حکم اجرا شود. اما از آنجا که در شهرستان مورد نظر، شرایط اجرای حکم مهیا نبود، پرونده به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد تا با انجام اقدامات قانونی مقدمات اجرای حکم فراهم شود. دومین پرونده در سال ۹۶ و در یکی از شهرهای استان فارس به جریان افتاد. در آن زمان مردی که با یکی از آشنایانش اختلاف داشت، با او درگیر شد و با چاقو ضرباتی به وی زد. یکی از ضربه‌ها منجر به کوری یکی از چشمان مرد آشنا شد و ضارب نیز به قصاص کوری چشم محکوم شد. این پرونده نیز برای رسیدگی و انجام مقدمات اجرا، به پایتخت فرستاده شد و در اختیار قاضی شعبه سوم اجرای احکام قرار گرفت. سومین پرونده نیز تفاوت زیادی با ۲پرونده دیگر ندارد. فردی که محکوم به قصاص کوری چشم چپ شده در سال ۹۷ و در جریان یک درگیری با سلاح شکاری گلوله‌ای به سمت یکی از دوستانش شلیک کرده که تیر به چشم چپ وی برخورد کرده و منجر به نابینایی او شده است. به‌دنبال این اتفاق عامل تیراندازی به قصاص کوری چشم چپ محکوم شد که شاکی اصرار بر اجرای آن داشت. به این ترتیب پرونده برای رسیدگی به پایتخت و دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.

مرگ زن باردار در سیل فشم

بارش باران در فشم موجب جاری شدن سیل و ریزش یک ساختمان شد و جان یک زن باردار را گرفت.

به گزارش همشهری، این حادثه ظهر دیروز اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که بارش شدید و ناگهانی باران در منطقه فشم باعث شد تا سنگ بزرگی که در نزدیکی رودخانه قرار داشت داخل آب افتاده و مسیر رودخانه را تغییر دهد. این اتفاق کافی بود تا رودخانه طغیان کرده و مسیر آن به‌سوی روستایی که در آنجا قرار دارد تغییر کند. در عرض چند دقیقه سیلاب این روستا را درنوردید و موجب تخریب خانه‌ای ۲طبقه و قدیمی شد که در مسیر جریان آب قرار داشت.

مهدی ولی‌پور، رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر در این‌باره به همشهری گفت: به‌دنبال وقوع سیلاب در یکی از روستاهای فشم ساختمانی دوطبقه ویران شد که در این حادثه ۲نفر مصدوم شدند و یک زن باردار نیز بر اثر تخریب خانه زیر آوار گرفتار شد. او ادامه داد: در مدت زمان کوتاهی عملیات آواربرداری انجام و این زن از زیر آوار بیرون کشیده شد اما جانش را از دست داده بود. با این حال او برای نجات جان فرزندش به بیمارستان منتقل شد.